

مقایسه بلوغ هیجانی و اختلال‌های روانی (اضطراب و افسردگی) در زنان و مردان با ازدواج سفید و رسمی

آرزو جعفرنژاد^۱، رضا خاکپور^{۲*}

چکیده

مقدمه: با توجه به گسترش بیشتر ازدواج سفید در بین جوانان ایرانی و پیامدهای مخرب آن در سطح جامعه، و همچنین با توجه به اهمیت متغیرهای بلوغ هیجانی، افسردگی و اضطراب در زندگی زنان و مردان متأهل، پژوهش حاضر با هدف مقایسه بلوغ هیجانی و اختلال‌های روانی (اضطراب و افسردگی) در زنان و مردان با ازدواج سفید و رسمی انجام شد.

روش پژوهش: روش پژوهش علی - مقایسه‌ای بود. جامعه آماری شامل زنان و مردان با ازدواج سفید و رسمی مراجعه‌کننده به مراکز و کلینیک‌های روان‌شناسی و مشاوره شهر تهران در سال ۱۴۰۱ بود. حجم نمونه شامل ۲۰۰ نفر (۱۰۰ نفر ازدواج سفید و ۱۰۰ نفر ازدواج رسمی) بود که با روش غیرتصادفی و در دسترس انتخاب شدند و به پرسشنامه‌های بلوغ هیجانی سینک و بهارگاوا، اضطراب بک افسردگی بک پاسخ دادند. به منظور آزمون فرضیه‌ها از آزمونهای مقایسه‌ای t دو گروه مستقل و تحلیل واریانس چندمتغیره استفاده شد. همچنین تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار SPSS نسخه ۲۶ انجام شد.

یافته‌ها: یافته‌ها نشان داد، بین بلوغ عاطفی (بی‌ثباتی عاطفی) و اضطراب و افسردگی در زنان و مردان با ازدواج رسمی و سفید تفاوت معنی‌دار وجود دارد. میانگین‌های اضطراب، افسردگی و بی‌ثباتی عاطفی گروه ازدواج سفید به طور معناداری بیشتر از میانگین‌های اضطراب، افسردگی و بی‌ثباتی عاطفی گروه ازدواج رسمی بود. بین مؤلفه‌های بلوغ عاطفی شامل عدم ثبات عاطفی و بازگشت عاطفی در زنان و مردان با ازدواج رسمی و سفید تفاوت معنادار وجود دارد و میانگین این دو مؤلفه در افراد با ازدواج سفید بیشتر از افراد با ازدواج رسمی است. همچنین بین مؤلفه‌های افسردگی شامل نشانه‌های عاطفی، نشانه‌های شناختی و نشانه‌های جسمانی در زنان و مردان با ازدواج رسمی و سفید تفاوت معنادار وجود دارد و میانگین این مؤلفه‌ها در افراد با ازدواج سفید بیشتر از افراد با ازدواج رسمی است.

نتیجه‌گیری: باتوجه به افزایش ازدواج سفید در بین جامعه و تأثیرات روانی آن در زندگی فرد، پیشنهاد می‌شود دوره‌های آموزشی در دوران دبیرستان و دانشگاه برای دختران و پسران برگزار گردد و از معایب این سبک از ازدواج‌ها توضیحاتی داده شود.

واژگان کلیدی: ازدواج رسمی، ازدواج سفید، اضطراب، افسردگی، بلوغ هیجانی

تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۲/۹/۱۲


تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۸/۵

استناد: جعفرنژاد آرزو، خاکپور رضا. مقایسه بلوغ هیجانی و اختلال‌های روانی (اضطراب و افسردگی) در زنان و مردان با ازدواج سفید و رسمی، خانواده و بهداشت، ۱۴۰۳؛ ۱۴(۲): ۲۴۰-۲۲۶

^۱ - دانشجوی کارشناسی ارشد، واحد رودهن، دانشگاه آزاد اسلامی، رودهن، ایران، arezu.jafarnezhad.ad@gmail.com

^۲ - (نویسنده مسئول) دانشیار گروه مشاوره و راهنمایی، واحد روغن، دانشگاه آزاد اسلامی، رودهن، ایران،

rezakhakpour43@gmail.com tell: 09159837325

© حقوق برای مؤلف (آن) محفوظ است. این مقاله با دسترسی آزاد در خانواده و بهداشت تحت مجوز کرییتیو کامنز  منتشر شده که طبق مفاد آن هرگونه استفاده غیر تجاری تنها در صورتی مجاز است که به اثر اصلی

به نحو مقتضی استناد و ارجاع داده شده باشد.

مقدمه:

ازدواج پدیده‌ای است که از دیرباز و از زمان پیدایش انسان بوده و تا امروز نیز ادامه دارد و تحت‌تأثیر تحولات جوامع دچار تغییر شده است؛ به‌طوری که امروزه از یک‌طرف دیگر تمایلی برای ازدواج وجود ندارد و سن ازدواج در حال افزایش است و از طرف دیگر انواع و اقسام ازدواج‌ها مثل «ازدواج موقت»، «ازدواج صوری»، «ازدواج صیغه‌ای» و... به وجود آمده است و از طرفی میزان طلاق هم چه به‌صورت رسمی چه عاطفی افزایش پیدا کرده است. آن چه که به‌عنوان ازدواج سفید نام‌گرفته هرچند در دنیا پدیده جدیدی نیست، اما در ایران یک شوک فرهنگی^۱ به‌حساب می‌آید. ازدواج سفید در نهادهای دولتی مربوطه یا سازمان‌های دینی ثبت نمی‌شود. در این نوع ازدواج، زن و مرد با هم زندگی می‌کنند و کارهای مربوط به خانواده بر دوش هر دو نفر است؛ ولی از لحاظ قانونی زن و شوهر محسوب نمی‌شوند و این یعنی نهایت آسیب به خود فرد بعد از پایان این رابطه. از طرفی جوانانی که درگیر روابط جنسی با جنس مخالف می‌شوند، معمولاً از دریافت اطلاعات و خدمات مناسب برای حفاظت از خود در برابر بیماری‌های مراقبتی محروم بوده و در نتیجه با احتمال بیشتری در معرض عواقب جسمانی ناشی از روابط محافظت نشده هستند که عواقب روانی فراوانی به همراه دارد (۱).

آن چه نسل امروز را دچار نوعی سردرگمی و پریشانی می‌کند از سویی زندگی در جامعه اسلامی و آمیخته با فرهنگ و رسوم ایرانی با قدمتی کهن است که اشکال مختلف روابط بین دختر و پسر با ارزش‌های فرهنگی و دینی جامعه تناقض دارد (۲) و از سوی دیگر مسئله‌ی ارتباط تمدن‌ها از طریق شبکه‌های ماهواره‌ای و اینترنت، افراد مختلف را به گونه‌ای شگرف به یکدیگر نزدیک می‌سازد. نسل جوان در میان انبوهی اتهام و پرسش اسیر است و نمی‌داند با این مسأله چگونه برخورد کند. افراد مختلف برای پرکردن این خلاء به طرق مختلف برخورد می‌کنند؛ برخی به روابط مقطعی و عاشقانه روی می‌آورند؛ این در حالی است که ازدواج تنها راه مشروع برقراری رابطه با جنس مخالف در ایران است و اکنون این راه با موانع بسیاری روبه‌رو شده است. بنابراین روابط هم‌خانگی یا ازدواج سفید در ایران در دهه‌ی اخیر تبدیل به دغدغه‌ای اجتماعی شده است و گسترش این‌گونه روابط از جمله موضوعات حساس و عموماً منفعل در امر سیاست‌گذاری کشورهاست؛ زیرا در کشورهایی که در مرحله‌ی گذار از سنت به مدرنیته هستند، هنوز سنت‌ها بر روابط اجتماعی حاکم است و در کشوری چون ایران که مذهب، یکی از ارکان اصلی خانواده‌ها به شمار می‌رود، این روابط پسندیده و قابل‌قبول نمی‌باشد. این روابط چون در ایران به صورت پنهانی وجود دارد بسیاری گمان می‌کنند که چون آن را نمی‌بینند پس وجود خارجی ندارد؛ اما نتایج تحقیقات متعدد نشان داده که این روابط سالهاست که وجود دارد (۳).

یکی از عواملی که در روابط زوجین و زندگی زناشویی دارای اهمیت است، بلوغ زوجین در ابعاد مختلف به‌ویژه بلوغ هیجانی است (۴). بلوغ هیجانی جریانی است که طی آن شخصیت فرد به‌طور مداوم برای احراز بیش از پیش سلامت عاطفی، از لحاظ روانی و فردی می‌کوشد هفت مولفه صمیمت، همدلی، ابراز وجود، ثبات روانی، استقلال، تعادل روانی و توانایی رعایت مورد عاطفی را به عنوان تعریف کاملی از بلوغ هیجانی معرفی می‌کنند (۵). بلوغ هیجانی در حقیقت رشد یا جهشی است که انتظار می‌رود افراد بتوانند بواسطه آن به کنترل احساسات، دریافت و شناخت آن دست یابند و براساس آن عمل کنند. فردی که به رشد هیجانی کامل رسیده باشد، در زندگی اجتماعی توانایی برقراری ارتباط صحیح با دیگران را دارد و توانایی پذیرش مسئولیت در قبال خود و دیگران را نیز پیدا می‌کند و در تعامل با دیگران موفق است. بلوغ هیجانی مراحل متفاوتی دارد و در بزرگسالی به کمال می‌رسد (۶). گلاب، در مطالعه خود نشان که بلوغ هیجانی و ابعاد آن با رضایت زناشویی رابطه دارند. بنابراین با توجه به نقش مهم بلوغ هیجانی در زندگی زناشویی، بررسی و مقایسه این متغیر مهم در ازدواج سفید و رسمی موضوعی قابل‌بررسی است.

علاوه بر این، نوع ازدواج هم می‌تواند در وضعیت روان‌شناختی زوجین از جمله سلامت روان و اختلالات روان‌شناختی مانند اضطراب و افسردگی تأثیرگذار باشد (۷). افسردگی به عنوان یکی از بیماری‌های شایع در سراسر جهان، از نوسانات خلق و خوی معمول و

^۱ Cultural shock

پاسخ‌های عاطفی کوتاه مدت به چالش‌های زندگی متفاوت بوده و می‌توان آن را شامل طیف وسیعی از نشانه‌های بالینی در نظر گرفت که ویژگی مشترک آن‌ها وجود احساسات غم، پوچی یا خلق تحریک‌پذیر همراه با تغییرات جسمانی و شناختی بوده و به‌طور قابل‌ملاحظه‌ای بر توانایی عمل کردن فرد تأثیر می‌گذارد (۸). و هزینه‌های فردی، اجتماعی و اقتصادی زیادی را بر افراد و جامعه وارد می‌کند (۹). در افراد افسرده فقط تمرکز و توجه، کار طاقت‌فرسایی به شمار می‌آید، و درک و فهم آنچه می‌خوانند یا از دیگران می‌شنوند، مشکل است. بسیاری از آن‌ها ترجیح می‌دهند تنها بنشینند. وقتی با مسئله‌ای روبه‌رو میشوند، راهبردهایی برای حل مساله به ذهنشان نمی‌رسد. به‌بهداشت فردی کمتر بها میدهند و شکایات متعدد هیپوکندریایی، مثل دردهای متعدد بدون منشاء جسمانی دارند و به‌طور کلی، در اکثر مواقع نگران و اندوهگین هستند (۱۰). اضطراب یک تجربه هیجانی ناخوشایند و دارای نشانه‌های جسمی نیز می‌باشد. اضطراب واکنشی در برابر تهدید و معطوف به آینده است. تهدید می‌تواند خطر، نبود حمایت و محرک‌های ناآشنا را دربرگیرد. اضطراب بهنجار افراد را آماده محافظت از خود در برابر تهدیدها می‌کند و برای رویارویی با شرایط ناخوشایند کارساز است ولی چنانچه میزان آن از حد متعارف بالاتر رود می‌تواند عملکرد عمومی فرد را مختل سازد (۹).

ازدواج سفید نوعی از هم‌زیستی است که بر اساس میل متقابل زن و مرد خارج از چارچوب‌های ازدواج سنتی صورت می‌گیرد. (۱۱) این سبک از هم‌زیستی بانام‌های متفاوت، امروزه یکی از شیوه‌های رایج زندگی در بسیاری از نقاط جهان است. زندگی زناشویی بدون ازدواج رسمی یا زندگی مشترک بدون ازدواج یا از دید برخی دیگر ازدواج سفید وضعیتی است که زن و مرد باهم زندگی میکنند و رابطه جنسی دارند و کارهای مربوط به خانواده بر دوش هر دو نفر است، ولی بسته به تعریف از نظر قانون، عرف و یا شرع زن و شوهر رسمی محسوب نمیشوند. روند رو به رشد ازدواج سفید در شهرهای بزرگ ایران با در نظر گرفتن غیرقانونی و غیر عرفی بودن آن در جامعه توجه‌های زیادی را به خود جلب کرده است. گر چه همخانگی به شکل روبه رشدی گسترده شده اما در بیشتر کشورها هنوز از منظر قانونی و اجتماعی امری متفاوت از ازدواج محسوب میشود. علاوه بر این معانی متصل به شیوه زیست همخانگی و انگیزه‌های ورود به این نوع از هم‌زیستی متمایز از معانی و انگیزه‌های افراد برای ازدواج است. به دلیل همین ناهمخوانی است که این پدیده به رغم نوظهور بودن و کمیت وقوعی بسیار محدود آن در برخی کلانشهرها و در میان شمار اندکی از شهروندان، حساسیت‌های بسیار زیادی را در سطح عموم برانگیخته و اندیشمندان علوم رفتاری و اجتماعی را در جهت یافتن علل و دلایل مؤثر در تکوین و بسط تدریجی و آرام آن و نیز آثار و پیامدهای مختلف آن به فرضیه‌سازی و نظریه‌پردازی برانگیخته است (۱۲). متأسفانه امروزه ازدواج سفید به شکلی آرام و خزنده در حال جا بازکردن در زندگی جوانان ایرانی است و این خود تهدیدی جدی برای نهاد خانواده و ثبات ازدواج می‌باشد. روابط دو جنس، در سراسر دنیا و از جنبه‌های مختلف، همواره موضوعی در خور بررسی بوده است؛ اما به نظر میرسد، در هیچ کشوری همچون ایران این موضوع چالش‌برانگیز و مسئله‌ساز نبوده است (۱۳). بر این اساس تحقیقات مختلفی در زمینه‌ی بررسی این موضوع صورت گرفته است که بیشتر به عوامل اثرگذار و پیامدهای این نوع از ازدواج پرداخته اند. اما به نظر می‌رسد پژوهشی که به بررسی و مقایسه وضعیت و آثار روان‌شناختی آن بپردازد کمتر انجام شده است و با توجه به گسترش بیشتر ازدواج سفید در بین جوانان ایرانی و پیامدهای مخرب آن در سطح جامعه، انجام چنین پژوهشی از اهمیت و ضرورت کافی برخوردار است. در پژوهش حاضر با توجه به اهمیت متغیرهای بلوغ هیجانی، افسردگی و اضطراب در زندگی زنان و مردان متأهل، به دنبال پاسخ به این سوال اساسی هستیم که آیا بین میزان بلوغ هیجانی و اختلال‌های روانی اضطراب و افسردگی در زنان و مردان با ازدواج سفید و رسمی تفاوت وجود دارد؟

روش پژوهش:

این پژوهش از نوع تحقیقات توصیفی و به روش علی - مقایسه‌ای انجام شد. همچنین از نظر نوع هدف، پژوهش کاربردی و از نظر نوع گردآوری داده، کمی است. جامعه آماری شامل زنان و مردان با ازدواج سفید و رسمی مراجعه‌کننده به مراکز و کلینیک‌های روان‌شناسی و مشاوره شهر تهران در سال ۱۴۰۱ بود. با توجه به روش پژوهش که از نوع علی مقایسه‌ای است باید در هر گروه حداقل

۳۰ نفر نمونه در نظر گرفته شود. که در این پژوهش برای هر گروه (ازدواج سفید و ازدواج رسمی) ۱۰۰ نفر نمونه تعیین شد که جمعاً ۲۰۰ نفر شد که با احتساب افت آزمودنی‌ها، ۱۰ درصد نمونه اضافه گردید؛ یعنی ۲۲۰ نفر به عنوان نمونه انتخاب شد. به دلیل محدود بودن دسترسی به جامعه آماری و جمعیت مورد نظر، گروه نمونه پژوهش با روش غیر تصادفی و در دسترس انتخاب شدند.

ملاک ورود به پژوهش عبارت بودند از رضایت آگاهانه جهت شرکت در پژوهش، داشتن سواد حداقل دیپلم و رده سنی ۲۰-۴۵ سال و ملاک‌های خروج از پژوهش نیز عدم تمایل به ادامه شرکت در پژوهش و پرسش‌نامه‌های ناقص بود. ابزار گردآوری اطلاعات عبارتند از:

مقیاس بلوغ هیجانی^۱: برای سنجش بلوغ هیجانی از مقیاس بلوغ هیجانی سینک و بهارگاوا^۲ استفاده می‌شود. این ابزار حاوی ۴۸ سؤال و ۵ زیرمقیاس عدم ثبات هیجانی، بازگشت هیجانی، ناسازگاری اجتماعی، فروپاشی شخصیت و نبود استقلال است. بلوغ هیجانی در تمام سؤالات با مقیاس پنج نقطه‌ای لیکرت (۱=هرگز، ۲=نامشخص، ۳=احتمالاً، ۴=زیاد، ۵=خیلی زیاد) اندازه‌گیری می‌شود. در این مقیاس نمره ۵۰ تا ۸۰ بلوغ هیجانی بسیار باثبات، نمره ۸۹ تا ۱۰۶ بلوغ، نمره ۸۱ تا ۸۸ بلوغ هیجانی نسبتاً هیجانی بی‌ثبات و نمره ۱۰۷ تا ۲۴۰ بلوغ هیجانی بسیار بی‌ثبات منظور می‌شود. همسانی درونی این آزمون ۰/۸۵ و پایایی آن از طریق آزمون و بازآزمون بر روی دانشجویان اندازه‌گیری شده است و همبستگی گشتاوری حاصل بین کل نمره‌های مقیاس بلوغ هیجانی را ۰/۶۴ به دست آوردند (۵). در پژوهش ابراهیمی و حیدری (۲)، آلفای کرونباخ ۰/۷۲ گزارش شده است.

سیاهه افسردگی بک^۳: این آزمون برای سنجش شدت افسردگی است و در سال ۱۹۶۳ توسط آرون بک تدوین شد و در سال ۱۹۹۴ مورد تجدید نظر قرار گرفت. فرم این مقیاس شامل ۲۱ ماده است؛ و هر ماده نمره‌ای بین صفر تا ۳ تعلق می‌گیرد. بالاترین نمره در این آزمون ۶۳ است. هر یک از مواد این آزمون یکی از علائم افسردگی را می‌سنجد. پایایی باز آزمایی آن ۰/۴۸ تا ۰/۸۶ با میانگین ۰/۸۶ گزارش شده است (۱۴). قاسم‌زاده و همکاران ضریب آلفای این آزمون را ۰/۸۷، ضریب باز آزمایی آن را ۰/۷۴ و همبستگی آن با ویرایش اول آزمون افسردگی بک را ۰/۹۳ گزارش کردند. در ایران دابسون و محمدخانی ضریب آلفای ۰/۹۲ برای بیماران سرپایی و ۰/۹۳ را برای دانشجویان بدست آوردند.

سیاهه اضطراب بک^۴: یک مقیاس خودسنجی ۲۱ سؤالی است که اضطراب را می‌سنجد و در سال ۱۹۸۸ توسط آرون بک تهیه شد. این آزمون بر اساس ۲۱ نشانه اضطرابی تنظیم شده است و بر طبق مقیاس لیکرت (نمرات ۰، ۱، ۲، ۳ برای هر سؤال) نمره‌ی بالاتر، اضطراب بیشتر را نشان می‌دهد. این آزمون بیشتر بر جنبه‌ی فیزیولوژیک اضطراب تاکید دارد. سه ماده آن مربوط به خلق مضطرب، سه ماده دیگر مربوط به هراس‌های مشخص و سایر سؤالات آن نشانه‌های خودکار بیش‌فعالی و تنش حرکتی اضطراب را می‌سنجد. بک و کلارک^۵ (۱۵) همسانی درونی این مقیاس را ۰/۹۳ و پایایی باز آزمایی آن را ۰/۷۵ گزارش کردند. در ارزیابی‌های به‌عمل آمده در پژوهش افضلی^۶ (۱۶)، به منظور مقیاس پایایی آزمون، آلفای کرونباخ در دانش‌آموزان مقطع دبیرستان ۰/۸۳۱ به دست آمده است. در تعیین روایی آزمون همبستگی آن با مقیاس افسردگی بک و مقیاس اضطراب زونک^۷ به این ترتیب (۰/۸۴ = r_{55/0}) به دست آمدند.

^۱ Emotional maturing scale

^۲ Sink & behargava

^۳ Beck Depression Inventory, (BDI)

^۴ Beck Anxiety Inventory, (BAI)

^۵ Beck & Clarck

^۷ Zoneck

در این پژوهش، از آمار توصیفی شامل توزیع فراوانی نمودار، شاخص‌های مرکزی مثل میانگین و شاخص‌های پراکندگی مثل انحراف معیار و آمار استنباطی چون آزمون مانوا و t دو گرہ مستقل در صورت تأیید نرمال بودن داده‌ها، استفاده شد.

یافته‌ها:

در این قسمت نمونه مورد بررسی برحسب ویژگی‌های جمعیت‌شناختی با آمار توصیفی (فراوانی و درصد) با استفاده از جدول توصیف‌شده‌اند.

(جدول ۱): توزیع فراوانی و درصد آزمودنی‌ها برحسب نوع ارتباط و جنسیت

جنسیت	Total	نوع ارتباط	
		ازدواج سفید	ازدواج رسمی
مرد	100	48	52
	50	48	52
زن	100	52	48
	50	52	48
Total	200	100	100
	100	100	100

جدول فوق نشان‌دهنده توزیع فراوانی و درصد آزمودنی‌ها برحسب نوع ارتباط و جنسیت است.

(جدول ۲): میانگین و انحراف معیار سن آزمودنی‌ها برحسب نوع ارتباط

نوع ارتباط	تعداد	کمترین	بیشترین	میانگین	انحراف معیار
ازدواج رسمی	100	21	54	34/42	8/414
ازدواج سفید	100	21	55	38/13	8/435
Total	200	21	55	36/28	8/606

جدول فوق نشان‌دهنده میانگین و انحراف معیار سن آزمودنی‌ها برحسب نوع ارتباط است. در جدول فوق میانگین و انحراف معیار افراد با ازدواج رسمی به ترتیب ۳۴/۴۲ و ۸/۴۱۴ است و همچنین میانگین و انحراف معیار افراد با ازدواج غیر رسمی به ترتیب ۳۸/۱۳ و ۸/۴۳۵ است.

برای بررسی نرمال بودن توزیع مشاهدات، از آزمون از آزمون کلموگروف اسمیرنوف، کجی (Skewness) و کشیدگی (Kurtosis) استفاده شد. همچنین به منظور آزمون فرضیه‌ها از آزمون مقایسه میانگین در گروه‌های مستقل (Independent T-test) و تحلیل واریانس چندمتغیره (MANOVA) Multivariate Analysis of Variance و آزمون لوین Samples Test

(Levene's Test)، میانگین‌های تعدیل‌شده (Estimated Marginal Means) استفاده شد. همچنین تحلیل داده با استفاده از نرم‌افزار SPSS نسخه ۲۶ انجام شد.

(جدول ۳): آزمون اسمیرنوف و کجی و کشیدگی در متغیرهای اضطراب، افسردگی و بی‌ثباتی عاطفی در گروه‌های مطالعه

متغیرها	نوع ارتباط	Kolmogorov-Smirnov ^a		کجی	کشیدگی
		ارزش z	سطح معناداری p		
اضطراب	ازدواج رسمی	۰/۹۸۴	۰/۹۸۸	۰/۸۵۴	۰/۱۳۸
	ازدواج سفید	۰/۹۴۶	۰/۴۷۰	۰/۷۳۹	-۰/۸۵۱
افسردگی	ازدواج رسمی	۰/۹۳۵	۰/۳۲۷	۰/۷۶۰	-۰/۲۶۷
	ازدواج سفید	۰/۹۳۲	۰/۸۶۵	۱۰/۱۴۲	۰/۳۹۵
بی‌ثباتی عاطفی	ازدواج رسمی	۰/۹۳۸	۰/۳۱۴	۰/۴۴۷	-۰/۳۲۲
	ازدواج سفید	۰/۹۴۲	۰/۶۹۸	۰/۷۵۶	۰/۸۷۸

جدول فوق نشان‌دهنده آزمون اسمیرنوف و کجی و کشیدگی در متغیرهای اضطراب، افسردگی و بی‌ثباتی عاطفی در گروه‌های مطالعه است. در شرایطی که آزمون اسمیرنوف معنا در نشود و همچنین مقادیر کجی و کشیدگی در بازه (۲، ۲-) باشند نشان‌دهنده نرمال بودن توزیع نمرات است. نتایج جدول فوق نشان‌دهنده عدم معنادار بودن آزمون اسمیرنوف در سطح (P > ۰/۰۵) و قرار داشتن مقادیر متغیرهای اضطراب، افسردگی و بی‌ثباتی عاطفی در بازه (۲، ۲-) است. بنابراین متغیرهای اضطراب، افسردگی و بی‌ثباتی عاطفی در گروه‌های مطالعه دارای توزیع نرمال است. در نتیجه می‌توان از آزمون‌های پارامتریک برای تحلیل داده‌ها استفاده کرد.

(جدول ۴): آزمون تساوی واریانس‌های گروه‌های مطالعه در متغیرهای پژوهش

متغیرهای اصلی پژوهش	ارزش F	درجه آزادی 1	درجه آزادی 2	سطح معناداری P
اضطراب	۱/۳۵۶	۱	۱۹۸	۰/۲۵۱
افسردگی	۱/۸۹۳	۱	۱۹۸	۰/۱۷۷
بی‌ثباتی عاطفی	۰/۸۴۷	۱		۰/۳۶۳

جدول فوق نشان‌دهنده آزمون لوین (Levene's Test) جهت تساوی واریانس‌های نمرات در متغیرهای اضطراب، افسردگی و بی‌ثباتی عاطفی در گروه‌های مطالعه است. یکی از مفروضه‌های آزمون تحلیل واریانس، بررسی همسانی واریانس‌های در گروه‌های مطالعه می‌باشد بنابراین از آزمون لوین استفاده گردید. با توجه به عدم معناداری و تأیید فرض صفر (P > ۰/۰۵)، پیش‌فرض تساوی واریانس‌ها در گروه‌ها تأیید شد.

بین بلوغ عاطفی (بی‌ثباتی عاطفی) و اضطراب و افسردگی در زنان و مردان با ازدواج رسمی و سفید تفاوت وجود دارد.

(جدول ۵): میانگین‌های تعدیل‌شده متغیرهای اضطراب، افسردگی و بی‌ثباتی عاطفی در گروه‌های مطالعه

متغیرها	نوع ارتباط	میانگین‌های تعدیل‌شده	خطای معیار	فاصله اطمینان ۹۵ درصد حد پایین حد بالا
اضطراب	ازدواج رسمی	8/870	۰/918	10/680 7/060
	ازدواج سفید	15/880	۰/۹۱۸	17/690 14/070
افسردگی	ازدواج رسمی	12/590	1/245	15/045 10/135
	ازدواج سفید	16/570	1/245	19/025 14/115
بی‌ثباتی عاطفی	ازدواج رسمی	94/000	2/233	98/403 89/597
	ازدواج سفید	101/050	2/233	105/453 96/647

جدول فوق نشان‌دهنده میانگین‌های تعدیل‌شده متغیرهای اضطراب، افسردگی و بی‌ثباتی عاطفی در گروه‌های مطالعه است. نظر به اینکه در متغیر بلوغ عاطفی هرچه نمرات بالاتر باشد به معنای بی‌ثباتی عاطفی است بنابراین به‌جای واژه بلوغ عاطفی از واژه بی‌ثباتی عاطفی استفاده شده است.

(جدول ۶): نتایج تحلیل واریانس میانگین نمره‌های متغیرهای اضطراب، افسردگی و بی‌ثباتی عاطفی در گروه‌های مطالعه

عوامل مؤثر	درجه آزادی	میانگین مجذورات	ارزش F	معناداری P
اضطراب	۱	۳۰۶۲۸/۱۲۵	۳۶۳/۵۷۴	۰/۰۰۱**
افسردگی	۱	۲۸۰/۴۲۵۱۵	۲۷۴/۲۳۲	۰/۰۰۱**
بی‌ثباتی عاطفی	۱	۱۲۵/۱۹۰۲۲۲۵	۳۸۱۵/۰۵۷	۰/۰۰۱**
اضطراب	۱	۲۴۵۷/۰۰۵	۲۹/۱۶۶	۰/۰۰۱**
نوع ارتباط	۱	۶۷۲/۰۲۰	۵/۱۰۹	۰/۰۲۵**
بی‌ثباتی عاطفی	۱	۲۴۸۵/۱۲۵	۴/۹۸۴	۰/۰۲۷*
اضطراب	۱۹۸	۲۴۰/۲۴۲		
خطا	۱۹۸	۱۵۵/۰۳۴		
بی‌ثباتی عاطفی	۱۹۸	۶۱۰/۴۹۸		

۲۰۰	اضطراب	
۲۰۰	افسردگی	کل
۲۰۰	بی‌ثباتی عاطفی	

(**) معناداری در سطح ۰/۰۱ و (*) معناداری در سطح ۰/۰۵

به‌منظور آزمون فرضیه اصلی پژوهش از تحلیل واریانس چندمتغیره استفاده شد. در جدول فوق نتایج آزمون تحلیل واریانس نشان می‌دهد که از نظر آماری تفاوت معناداری بین میانگین نمره‌های اضطراب ($P=۰/۰۰۱$)، افسردگی ($P=۰/۰۲۵$) و بی‌ثباتی عاطفی ($P=۰/۰۲۷$) وجود دارد. به‌عبارت‌دیگر با مراجعه جدول شماره ۵ مشاهده می‌شود که میانگین‌های اضطراب، افسردگی و بی‌ثباتی عاطفی گروه ازدواج سفید بطور معناداری بیشتر از میانگین‌های اضطراب، افسردگی و بی‌ثباتی عاطفی گروه ازدواج رسمی است. بنابراین فرضیه اصلی پژوهش مبنی بر اینکه بین بلوغ عاطفی (بی‌ثباتی عاطفی) و اضطراب و افسردگی در زنان و مردان با ازدواج رسمی و سفید تفاوت وجود دارد، تأیید می‌شود.

بین بلوغ عاطفی (بی‌ثباتی عاطفی) در زنان و مردان با ازدواج رسمی و سفید تفاوت وجود دارد. به‌منظور آزمون فرعی شماره یک پژوهش از آزمون مقایسه میانگین در گروه‌های مستقل استفاده شد.

(جدول ۷): مقایسه میانگین‌های زیرمقیاس‌های بی‌ثباتی عاطفی آزمودنی‌ها در گروه‌های مطالعه

زیر مقیاس‌ها	نوع ازدواج	میانگین M	انحراف معیار SD	ارزش t	درجات آزادی d.f	سطح معناداری P
عدم ثبات عاطفی	رسمی	۱۸/۲۵	۵/۵۶۸	-۳/۲۸۴	۱۹۸	*۰/۰۱۰
	سفید	۶۵/۲۱	۸/۷۲۹			
بازگشت عاطفی	رسمی	۱۹/۷۸	۴/۷۵۸	-۲/۳۴۷	۱۹۸	*۰/۱۸۰
	سفید	۲۲/۰۷	۸/۵۱۶			
فروپاشی شخصیت	رسمی	۲۰/۷۷	۴/۴۸۵	-۱/۴۵۵	۱۹۸	۰/۱۴۷
	سفید	۲۱/۶۸	۴/۳۶۰			
ناسازگاری اجتماعی	رسمی	۱۷/۱۷	۴/۴۲۵	-۱/۴۵۰	۱۹۸	۰/۱۴۹
	سفید	۱۸/۲۸	۶/۲۴۴			
فقدان استقلال	رسمی	۱۸/۰۳	۳/۳۱۰	۱/۵۱۴	۱۹۸	۰/۱۳۲
	سفید	۱۷/۳۷	۲/۸۳۴			

نمره کل	رسمی	۹۴/۰۰	۱۸/۰۰۵
بی ثباتی	سفید	۱۰۱/۰۵	۲۵/۹۴۳
عاطفی		-۲/۲۳۳	۱۹۸
		*۰/۰۲۷	

(**) معناداری در سطح ۰/۰۱ و (*) معنا داری در سطح ۰/۰۵

جدول فوق نشان دهنده مقایسه میانگین‌های زیرمقیاس‌های بی‌ثباتی عاطفی آزمودنی‌ها در گروه‌های مطالعه است. به منظور مقایسه آزمودنی‌ها از آزمون برابری واریانس‌های لوین Levene's Test و آزمون مقایسه میانگین‌های مستقل (t-test) استفاده شد. جدول فوق نشان می‌دهد که تفاوت میان دو نوع ازدواج (رسمی و سفید) در زیرمقیاس‌های فروپاشی شخصیت، ناسازگاری اجتماعی و فقدان استقلال از نظر آماری معنادار نیست ($P > 0/05$). به عبارت دیگر میانگین‌های زیرمقیاس‌های فروپاشی شخصیت، ناسازگاری اجتماعی و فقدان استقلال آزمودنی‌های دو نوع ازدواج (رسمی و سفید) تقریباً نزدیک به هم هستند. همچنین جدول فوق نشان می‌دهد که تفاوت میان دو نوع ازدواج (رسمی و سفید) در زیرمقیاس‌های عدم ثبات عاطفی ($T=284/3, P=0/001$)، بازگشت عاطفی ($T=37/2, P=0/018$) و نمره کل بی‌ثباتی عاطفی ($P=233/2, T=0/027$) در گروه‌های مطالعه از نظر آماری معنادار است. به عبارت دیگر میزان عدم ثبات عاطفی، بازگشت عاطفی و نمره کل بی‌ثباتی عاطفی در افراد با ازدواج غیررسمی بیشتر از افراد با ازدواج رسمی است؛ بنابراین فرضیه فرعی یک پژوهش مبنی بر اینکه بین بلوغ عاطفی (بی‌ثباتی عاطفی) در زنان و مردان با ازدواج رسمی و سفید تفاوت وجود دارد، تأیید می‌شود.

بین اضطراب در زنان و مردان با ازدواج رسمی و سفید تفاوت وجود دارد. به منظور آزمون فرعی شماره دو پژوهش از آزمون مقایسه میانگین در گروه‌های مستقل استفاده شد.

جدول ۸): مقایسه میانگین‌های اضطراب آزمودنی‌ها در گروه‌های مطالعه

نوع ازدواج	میانگین	انحراف معیار	ارزش	درجات آزادی	سطح معناداری
	M	SD	t	d.f	P
رسمی	۸/۸۷	۳/۷۰۸	-۵/۴۰۱	۱۹۸	*۰/۰۰۱
سفید	۱۵/۸۸	۱۲/۴۳۹			

(**) معناداری در سطح ۰/۰۱

جدول فوق نشان دهنده مقایسه میانگین اضطراب آزمودنی‌ها در گروه‌های مطالعه است. به منظور مقایسه آزمودنی‌ها از آزمون برابری واریانس‌های لوین Levene's Test و آزمون مقایسه میانگین‌های مستقل (t-test) استفاده شد. جدول فوق نشان می‌دهد که تفاوت میان دو نوع ازدواج (رسمی و سفید) در اضطراب ($T=40/1, \Delta P=0/001$) در گروه‌های مطالعه از نظر آماری معنادار است. به عبارت دیگر میزان اضطراب در افراد با ازدواج غیررسمی بیشتر از افراد با ازدواج رسمی است؛ بنابراین فرضیه فرعی دو پژوهش مبنی بر اینکه بین اضطراب در زنان و مردان با ازدواج رسمی و سفید تفاوت وجود دارد، تأیید می‌شود.

بین افسردگی در زنان و مردان با ازدواج رسمی و سفید تفاوت وجود دارد. به منظور آزمون فرعی شماره سه پژوهش از آزمون مقایسه میانگین در گروه‌های مستقل استفاده شد.

(جدول ۹): مقایسه میانگین‌های افسردگی آزمودنی‌ها در گروه‌های مطالعه

زیر مقیاس‌ها	نوع ازدواج	میانگین	انحراف معیار	ارزش	درجات آزادی	سطح معناداری
		M	SD	t	d.f	P
نشانه‌های عاطفی	رسمی	۵/۱۹	۳/۸۳۹	-۲/۰۹۵	۱۹۸	*۰/۰۳۷
	سفید	۶/۷۱	۶/۱۵۵			
نشانه‌های شناختی	رسمی	۴/۴۴	۳/۶۴۷	-۲/۰۶۱	۱۹۸	*۰/۰۴۱
	سفید	۵/۹۶	۶/۴۱۲			
نشانه‌های جسمانی	رسمی	۲/۹۶	۲/۱۶۰	-۲/۲۹۲	۱۹۸	*۰/۰۲۳
	سفید	۳/۹۰	۳/۴۸۶			
نمره کل	رسمی	۱۲/۵۹	۸/۳۱۳	-۲/۲۶۰	۱۹۸	*۰/۰۲۵
افسردگی	سفید	۱۶/۵۷	۱۵/۵۲۳			

(*): معناداری در سطح ۰/۰۵

جدول فوق نشان‌دهنده مقایسه میانگین‌های افسردگی آزمودنی‌ها در گروه‌های مطالعه است. به‌منظور مقایسه آزمودنی‌ها از آزمون برابری واریانس‌های لوین Levene's Test و آزمون مقایسه میانگین‌های مستقل (t-test) استفاده شد. جدول فوق نشان می‌دهد که تفاوت میان دو نوع ازدواج (رسمی و سفید) در زیرمقیاس‌های نشانه‌های عاطفی ($T=۲/۰۹۵, P=۰/۰۳۷$)، نشانه‌های شناختی ($T=۲/۰۶۱, P=۰/۰۴۱$)، نشانه‌های جسمانی ($T=۲/۲۹۲, P=۰/۰۲۳$) و نمره کل افسردگی ($T=۲/۲۶۰, P=۰/۰۲۵$) در گروه‌های مطالعه از نظر آماری معنادار است. به‌عبارت‌دیگر میزان نشانه‌های عاطفی، نشانه‌های شناختی، نشانه‌های جسمانی و نمره کل افسردگی در افراد با ازدواج غیررسمی بیشتر از افراد با ازدواج رسمی است؛ بنابراین فرضیه فرعی سه پژوهش مبنی بر اینکه بین افسردگی در زنان و مردان با ازدواج رسمی و سفید تفاوت وجود دارد، تأیید می‌شود.

بحث و نتیجه‌گیری:

پژوهش حاضر باهدف مقایسه بلوغ هیجانی و اختلال‌های روانی (اضطراب و افسردگی) در زنان و مردان با ازدواج سفید و رسمی انجام شد. بین بلوغ عاطفی (بی‌ثباتی عاطفی) و اضطراب و افسردگی در زنان و مردان با ازدواج رسمی و سفید تفاوت وجود دارد. یافته‌های پژوهش نشان داد که بین بلوغ عاطفی (بی‌ثباتی عاطفی) و اضطراب و افسردگی در زنان و مردان با ازدواج رسمی و سفید تفاوت وجود دارد. میانگین‌های اضطراب، افسردگی و بی‌ثباتی عاطفی گروه ازدواج سفید به‌طور معناداری بیشتر از میانگین‌های اضطراب، افسردگی و بی‌ثباتی عاطفی گروه ازدواج رسمی است. یافته‌های این پژوهش با پژوهش طالبی و سلطانی (۱۸)، رضانی فر و آدیش (۱۳)، کریمیان، سالاری و ملکاری (۱۷)، وانگ و یانگ (۱۹)، رایت و همکاران (۲۰) همسو بوده است. در پژوهش‌های فوق‌خاطر نشان‌کرده‌اند که ازدواج سفید در بین افراد جامعه در حال افزایش بوده و همین خود سبب بروز مشکلاتی در زمینه اضطراب و افسردگی در بین زوجین شده است. در تبیین یافته‌های پژوهش باید اشاره داشت که آمار نشان می‌دهد که دلیلی که اکثر این زوجها برای ازدواج سفید ارائه می‌دهند این است که بفهمند به‌اندازه کافی با هم سازگار هستند که ازدواج کنند یا خیر. شاید تعجب‌آور باشد که بدانید برخلاف باور عموم، احتمال طلاق و شکست رابطه در زوجیهایی که قبل از ازدواج رسمی با هم زندگی می‌کرده‌اند بسیار

بالتر است. دلیل آن می‌تواند این باشد که زندگی زیر یک سقف بدون عقد ازدواج رفتار دو طرف را طوری تغییر می‌دهد که باعث می‌شود در ازدواج کمتر متعهد شوند. تحقیقات نشان می‌دهد که آنهایی که تصمیم به ازدواج سفید می‌گیرند ویژگی‌هایی دارند که راضی به ازدواج سفید می‌شوند و همین مسئله نشان می‌دهد که به درد ازدواج نمی‌خورند. این آمار و ارقام به وضوح نشان می‌دهد که همزیستی بی تعهد در مقایسه با ازدواج قانونی، از لحاظ اجتماعی توافقی پست به شمار می‌رود. زوج‌هایی که بدون هیچ برنامه مشخص برای ازدواج با هم زندگی می‌کنند، معامله‌ای کاملاً متفاوت با آنها که ازدواج یا نامزد می‌کنند بین هم دارند. تنها وجه اشتراک آنها با زوجهای قانونی، ارتباط جنسی و زندگی کردن زیر یک سقف است. مردانی که تن به ازدواج سفید می‌دهند معمولاً وفاداری نسبت به طرف خود نداشته و زنان نیز هیچ قطعیتی به آینده خود و فرزند احتمالی‌شان ندارند. بچه‌هایی که در چنین خانه‌هایی به دنیا می‌آیند نسبت به بقیه بچه‌ها عملکرد بدتر و ضعیف‌تری دارند. چنین ازدواجی فایده‌ای برای هیچ‌کس ندارد، نه زن، نه مرد و نه بچه‌ها. مشخص است که زنان و مردانی که تصمیم به چنین زندگی زناشویی می‌گیرند، تفاوت عمده‌ای با آنها که ازدواج رسمی را پیش می‌گیرند، دارند. همین موجب بالاتر بودن میزان جدایی آنهاست.

بین بلوغ عاطفی (بی‌ثباتی عاطفی) در زنان و مردان با ازدواج رسمی و سفید تفاوت وجود دارد. یافته‌های پژوهش نشان داد که بین بلوغ عاطفی (بی‌ثباتی عاطفی) در زنان و مردان با ازدواج رسمی و سفید تفاوت وجود دارد. میانگین بی‌ثباتی عاطفی گروه ازدواج سفید به طور معناداری بیشتر از میانگین بی‌ثباتی عاطفی گروه ازدواج رسمی است. یافته‌های این پژوهش با رضانی فر و آدیش (۱۳)، کریمی‌ان، سالاری و ملکاری (۱۷)، وانگ و یانگ (۱۹)، همسو بوده است. در پژوهش‌های فوق‌خاطر نشان کرده‌اند که ازدواج سفید در بین افراد جامعه در حال افزایش بوده و همین خود سبب بروز مشکلاتی در زمینه بی‌ثباتی عاطفی در بین زوجین شده است. در تبیین یافته‌های پژوهش باید اشاره داشت که تشکیل خانواده علاوه بر تأثیر وضعی، نتایج مثبت و مؤثری بر جا می‌گذارد که موجب ارتقای سطح افراد جامعه در زمینه‌هایی چون بهداشت، تعلیم و تربیت، اقتصاد، فرهنگ و... می‌گردد. از جمله می‌توان به شرایط بحرانی و حاد برای افراد اشاره نمود که چگونه می‌توانند از همدیگر محافظت نمایند و مراقب هم باشند. رفع نیازهای بدنی شامل نیاز به غذا، مسکن، محل مناسب برای حفاظت از عوامل مخاطره‌آمیز، محل مناسب استراحت، تمدد قوا و نیاز جنسی در کانون خانواده امکان‌پذیر می‌گردد (21). همچنین باید اشاره داشت در این نوع ازدواج معمولاً عشق کم‌رنگ‌تر از ازدواج‌های عادی می‌باشد، باید خاطر نشان کرد برخی نظریه‌پردازان اجتماعی، احساسات و عشق را از عوامل ایجاد ارتباط میان جوانان می‌دانند. از این دیدگاه، عشق رمانتیک نقش مهمی در ارتباطات بین دو جنس دارد و عشق می‌تواند آغازی برای ارتباطات جدید باشد. عشق به مثابه امری مهم در بطن دنیای مدرن تلقی شده و امروزه نقشی اساسی در شکل‌گیری خانواده یافته است. ازدواج به دلیلی جز عشق چندان مورد پذیرش واقع نمی‌شود و مردم نسبت به کامیابی آن تردید دارند؛ بنابراین عشق در فرایند انتخاب همسر در الگوی ارتباط دختران و پسران قبل از ازدواج اهمیت پیدا می‌کند.

بین اضطراب در زنان و مردان با ازدواج رسمی و سفید تفاوت وجود دارد. یافته‌های پژوهش نشان داد که بین اضطراب در زنان و مردان با ازدواج رسمی و سفید تفاوت وجود دارد. میانگین‌های اضطراب گروه ازدواج سفید به طور معناداری بیشتر از میانگین اضطراب گروه ازدواج رسمی است. یافته‌های این پژوهش با پژوهش کریمی‌ان، سالاری و ملکاری (۱۷)، وانگ و یانگ (۱۹)، رایت و همکاران (۲۰) همسو بوده است. در پژوهش‌های فوق‌خاطر نشان کرده‌اند که ازدواج سفید در بین افراد جامعه در حال افزایش بوده و همین خود سبب بروز مشکلاتی در زمینه اضطراب در بین زوجین شده است. در تبیین یافته‌های پژوهش مبنی بر بالا بودن میزان اضطراب در ازدواج سفید اشاره داشت، پایبند نبودن هریک از طرفین به یکدیگر و عدم تعهد بین آنها می‌باشد، علت این امر را می‌توان در برخی از پیامدهای این شکل از رابطه شامل فقدان مرجع قانونی برای حل اختلاف، عدم وجود حمایت اجتماعی، نبردن حق ارث از یکدیگر، بدون شناسنامه ماندن کودکان در صورت تولد آنها و محروم ماندن از حق تحصیلشان، عدم بهره‌مندی از خدمات بیمه اجتماعی از شریک زندگی. برشمرد، همه این عوامل می‌تواند میزان اضطراب را در این نوع ازدواج‌ها در مقایسه با ازدواج عادی افزایش دهد. از طرفی باید اشاره داشت که مرد و زنی که ازدواج رسمی می‌کنند نه تنها سرنوشتشان بلکه اموالشان نیز به هم گره می‌خورد.

آمار و ارقام نشان می‌دهد که آن دسته از زوج‌هایی که به‌جای ازدواج رسمی و قانونی، ازدواج بدون عقد رسمی را انتخاب می‌کنند، در طول زمان ثروت کمتری را اندوخته می‌کنند زیرا اغلب تحت حمایت مالی خانواده‌ها قرار نگرفته و درآمدهای کسب‌شده از هر دو طرف نیز برای خانواده هزینه یا پس‌انداز نمی‌شود و این می‌تواند برای بچه‌هایی که ممکن است از چنین والدینی به دنیا بیایند، جای نگرانی داشته باشد.

بین افسردگی در زنان و مردان با ازدواج رسمی و سفید تفاوت وجود دارد. یافته‌های پژوهش نشان داد که بین افسردگی در زنان و مردان با ازدواج رسمی و سفید تفاوت وجود دارد. میانگین‌های افسردگی گروه ازدواج سفید به طور معناداری بیشتر از میانگین افسردگی گروه ازدواج رسمی است. یافته‌های این پژوهش با پژوهش کریمیان، سالاری و ملکاری (۱۷)، وانگ و یانگ (۱۹)، رایت و همکاران (۲۰) همسو بوده است. در پژوهش‌های فوق‌خاطر نشان‌کرده‌اند که ازدواج سفید در بین افراد جامعه در حال افزایش بوده و همین خود سبب بروز مشکلاتی در زمینه افسردگی در شده است. در تبیین یافته‌های پژوهش مبنی بر بالابودن میزان افسردگی در ازدواج سفید اشاره داشت که ذات ازدواج برای طولانی‌مدت است. زوج‌های ازدواج کرده زندگی زناشویی خود را بسیار محکم‌تر و باثبات‌تر از زوج‌هایی می‌بینند که ازدواج سفید کرده‌اند. و زمانی که دو طرف تصور کنند که احتمال شکست ارتباطشان وجود دارد، تأثیری بسیار منفی بر روحیه آنها خواهد داشت. سلامت روانی در زوج‌هایی که ازدواج سفید کرده‌اند مقایسه با آنهایی که ازدواج رسمی کرده‌اند بسیار ضعیف‌تر است. این زوج‌ها به‌مراتب افسرده‌تر بوده و سطح رضایت از زندگی بسیار پایین‌تری نیز دارند. اینکه زندگی آنها ممکن است خیلی زود بر هم بخورد، فشار عصبی سنگینی هم بر مرد و هم زن خواهد داشت و به همین دلیل است که علائم افسردگی به‌شدت در این افراد به چشم می‌خورد. معمولاً همه تصور می‌کنند که با هم زندگی کردن در یک زندگی آزمایشی به دو طرف نشان می‌دهد که ازدواجشان به چه شکل می‌تواند باشد و با اطلاعاتی که از چنین زندگی آزمایشی از همدیگر به دست می‌آورند می‌توانند انتخاب درست‌تری داشته باشند.

محدودیت پژوهش: جامعه پژوهش حاضر شامل مردان و زنان افراد بزرگسال (۲۰ تا ۵۰ سال) شهر تهران بود که محدودیت‌هایی را در زمینه تعمیم نتایج در جوامع دیگر ایجاد میکند. استفاده از پرسشنامه به‌عنوان تنها ابزار گردآوری اطلاعات که خود دارای محدودیت‌های ذاتی است. به دلیل محدودیت ناشی شناسایی همه افراد جامعه مورد تحقیق، امکان نمونه‌گیری تصادفی امکان‌پذیر نبود و به صورت در دسترس انجام شد.

تضاد منافع: بدین‌وسیله نویسندگان اعلام می‌کنند که این اثر حاصل یک پژوهش مستقل بوده و هیچ‌گونه تضاد منافی با سازمان‌ها و اشخاص دیگری ندارد.

تقدیر و تشکر: نویسندگان مقاله از تمام مشارکت‌کنندگان در پژوهش، تقدیر و تشکر به عمل می‌آورند.

References:

1. Khalajabadi Farahani, Farideh, Mehyar, Amirhoshang. Investigating the role of the family in relationships with the opposite sex before marriage in student girls in Tehran. *Journal of Family Research*, 2010; 6(4): 449-468.
2. Asadi, Dawood, Mohammadzadeh, Ali, Najafi, Mahmoud. Examining the attitude towards friendship with the opposite sex among male and female students. *Journal of Behavioral Science Research*, 2018.13(3):509-518.

- https://journal.astara.ir/article_713895.html
3. Ebrahimi L. Prediction of the Tendency Toward Emotional Divorce based on Personality Traits, Metacognitive Beliefs and Emotional Maturity of Couples. QJCR 2020; 19 (74):36-61. <http://dx.doi.org/10.29252/jcr.19.74.36>
 4. Zamani, Sare, Ahadi, Hasan, Asgari, Parviz, Relationship of emotional divorce with body image and perfectionism, Quarterly Journal of Psychological Studies, 2015; 10(4): 119-136.
 5. Safarpur, Azadeh .Investigating and comparing the relationship between emotional maturity and marital compatibility of married men working in the oil pipeline company of Tehran region with healthy and unhealthy inferences from their original family. Master's thesis, Faculty of Psychology and Educational Sciences, Shahid Beheshti University, 2005.
 6. Niazazari K., Enayati T., Behnamfar R., Kahroodi Z.. Relationship between professional ethics and job commitment. Iran journal of nursing (IJN)[Internet]. 2014;27(87):34-42.
 7. Ahmadi, Mona, Sedaghati Fard, Mojtaba. A comparative study of sexual perversion and marital commitment in married men with traditional and modern marriage. Journal of Analitical-Cognitive Psychology Vol. 12/Issue 47/Winter 2021 :127-138. <https://dorl.net/dor/20.1001.1.28222476.1400.12.47.11.4>
 8. American Psychiatric Association. Diagnostic and Statistical Manual and Classification of Mental Disorders (DSM.5), translated by Seyed Mohammadi, Yahya,2019. Roan Publishing House, Tehran.
 9. Sadock B.J., Sadock V.A., Levin Z.E. (Eds.). Kaplan and Sadock's study guide and self-examination review in psychiatry. Lippincott Williams & Wilkins, 2007.
 10. Nezamipour E Abdolmanafi A, Besharat M A. Comparison of copying strategies and problem solving styles in depressed and non-depressed students. Shenakht Journal of Psychology and Psychiatry 2015; 2(2): 59-69. <http://shenakht.muk.ac.ir/article-1-142-fa.html>
 11. Golestaneh, M. Making Modern Self Through White Marriage: Living Together Without Marriage in Tehran, Iran Carleton University].2019. <https://doi.org/10.22215/etd/2019-13468>
 12. Nikbakhsh B. Sociological investigation of the factors affecting young people's attitude towards cohabitation. Ferdowsi University of Mashhad Journal of Social Sciences, 2023: 178 <https://doi.org/10.22067/social.2023.80178.1280>
 13. Ramezanifar H. Study the experiences of people living about white marriages in Iran (Qualitative study of youth in Gilan city), Journal of Socio -Cultural Development Studies, 2018; 7(1): 195-217.
 14. Beck A.T. A systematic investigation of depression. Comprehensive psychiatry, 1966; 2(3): 163-170.
 15. Beck A.T., Clark D.A. Anxiety and depression: An information processing perspective. In Anxiety and self-focused attention 2015: 41-54. Routledge.

16. Afzali A. Investigating the relationship between optimism and psychological well-being and students' coping styles. Master's degree, Allameh Tabatabai University, 2008.
17. Karimian M, Meshkini Ardabili A.A. Marriage in Islam. Tehran, publication of Dar al-Hadith Cultural Institute.2013.
18. Saeed Talshi L, Soltani A. The role of personality and demographic characteristics in predicting the attitude towards white marriage in students of Islamic Azad University, Kerman Branch, New Advances in Behavioral Sciences 2017; 3(24): 53-31. <http://ijndibs.com/article-1-241-fa.html>
19. Wang Y.-T., Yang W.-S. Determinants of Cohabitation in Taiwan: A Panel Data Analysis. Journal of Family Issues, 2023: 177. <https://doi.org/10.1177/0192513X231155589>
20. Wright E.L., Eisenhardt P.R., Mainzer A.K., Ressler M.E., Cutri R.M., Jarrett T., ... & Tsai C. W. The Wide-field Infrared Survey Explorer (WISE): mission description and initial on-orbit performance. The Astronomical Journal, 2010; 140(6): 1868.
21. Afrooz Abdi N, Sign maker b. White marriage and its consequences in Iran. New achievements in humanities studies, 2018: 100-105.